ادامه از صفحه ۲

نمایش تعقل در ماجرای شناورهای آمریکا

این نیروی نظامی کشورمان نشان داد به‌هیچ روی، تمایلی به بهره‌برداری سیاسی و تبلیغاتی از این ماجرا ندارد و آن‌طور که در خبر فرمانده نیروی دریایی سپاه آمده، مدیریت صحیح صحنه پس از توقیف شناورها با وجود حرکت‌های ناو آمریکایی، اتفاق قابل‌توجهی است. این در حالی است که کم نبودند جریانات و چهره‌هایی که بدشان نمی‌آمد از چنین ماجراهایی بهره‌برداری سیاسی علیه آمریکا یا حداقل دولت یازدهم کنند. نکته بعدی اینکه؛ با وجود برخی اختلاف‌نظرها، این ماجرا در کل نشان داد در مواقع بحران علیه تمامیت ارضی کشور و در مسائل اساسی کشور که مرتبط با منافع و مصالح ملی است هماهنگی، وحدت و اتفاق‌نظر میان ارکان تصمیم‌گیرنده در همه سطوح وجود دارد. چهارم اینکه نشان داده شد ارتباط مستقیم میان ایران و ایالات متحده در چنین مواقعی چگونه می‌تواند جلوی بسیاری از سوءتفاهم‌های احتمالی و بازیگران طرف‌های مجعول و مجهول را بگیرد. این مسئله پس از ماجرای سفارت عربستان در تهران هم در منطقی‌شدن موضع کاخ سفید، تأثیر بسزایی داشت. این بار هم هنوز ساعتی از بازداشت اعضای نیروی دریایی آمریکا نگذشته بود که جان کری، وزیر خارجه ایالات متحده مستقیم با دکتر ظریف تماس می‌گیرد. احتمالا سخنان ظریف هرچه بوده تا حدود زیادی باعث آرامش‌خاطر طرف مقابل می‌شود و درعین‌حال آنها را متوجه موضع محکم ایران دراین‌باره می‌کند، چراکه هیچ‌یک از مقامات کاخ سفید جز درباره اصل ماجرا، سخنی درخصوص این موضوع نگفته‌اند. می‌توان تصور کرد اگر تماس مستقیم میان واشنگتن و تهران برقرار نشده بود، امکان داشت آمریکا اعلام کند عمل ایران خصمانه بوده و درباره ترتیبات آزادی تفنگداران آمریکایی هم اظهارنظر کند. تهران هم که نشان داده بیدی نیست که با این بادها بلرزد، پاسخ می‌داد این هشت نفر باید نخست به پایتخت منتقل شده و تحت بازجویی قرار بگیرند که چرا وارد مرزهای آبی ایران شده‌اند و سپس درباره آنها تصمیم گرفته شود. در یک کلام، گرهی که با دست می‌توانست باز شود، به‌سرعت به یک مسئله جدی دیپلماتیک میان دو کشور تبدیل می‌شد. صد البته که در آن صورت می‌توانستیم لبخند را روی لبان نتانیاهو و مقامات عربستان تصور کنیم. چه آنها و چه تندروها در آمریکا می‌گفتند چقدر گفتیم اوباما فریب لبخند ظریف و روحانی را خورده و متقابلا، برخی هم در داخل مدعی می‌شدند... الی آخر. از یک منظر دیگر هم می‌توان به این ماجرا نگریست؛ مقایسه رفتار احمدی‌نژاد با روحانی و ظریف. در جریان بازداشت ملوانان انگلیسی در نوروز ۸۶، رئیس دولت وقت مدیریت کل ماجرا را به دست خودش گرفت. در ابتدا صحبت از تجاوز به آب‌های ایران و دادن درس به متجاوزان و... به میان آمده بود. بعد تونی بلر، نخست‌وزیر وقت انگلستان، عرف دیپلماتیک را کنار گذاشته و با توپ پر از دولت احمدی‌نژاد خواست هرچه سریع‌تر ملوانان بازداشت‌شده آزاد شوند؛ درست نقطه مقابل رفتاری که آمریکایی‌ها نشان دادند. در پایان هم احمدی‌نژاد، با کت‌وشلوار یک برند ایرانی که بر تن ملوانان انگلیسی شده بود، آنها را در برابر چشمان گردشده از تحیر ایرانیان بدرقه کرد. مقایسه میان رفتار مسئولان دولت در سال ۸۶ با رئیس‌جمهور و وزیر خارجه در سال ۹۴ از پختگی دیپلماسی و تفاوت آشکار در رفتار بین‌المللی و داخلی مسئولان حکایت دارد. دولت یازدهم علاقه‌ای به استفاده از چنین ماجراهایی برای مطرح‌شدن در جهان ندارد. می‌ماند نکته آخر؛ کاش در قبال برخورد با سفارت عربستان سعودی هم شاهد همین شیوه مدیریت ماجرا در داخل کشور بودیم تا غلبه دغدغه منافع ملی بر عواطف و احساسات زودگذر را می‌دیدیم. در آن صورت امروز، عربستان همچنان بابت اقدام قرون وسطایی خود در اعدام یک منتقد غیرمسلح، باید به افکار عمومی جهان پاسخ می‌داد.

کارشناسان در گفت‌وگو با «شرق» افزایش ۵۰۰ تومانی ارز را تحلیل کردند

دوی ماراتن دلار

شرق: رئیس‌کل بانک مرکزی در آخرین اظهارنظر خود افزایش نرخ دلار تا نزدیکی‌های سه‌هزارو ۸۰۰ تومان را منتسب به اخبار کرد.

ولی‌الـه سیف که در حاشیه پنجمین همایش بانکداری الکترونیک و نظام‌های پرداخت سخن می‌گفت، آغاز افزایش نرخ ارز را روز یکشنبه هفته جاری اعلام کرد که دو روز بعد در روند نزولی قرار گرفت. او در پاسخ به آنانی هم که دولت را متهم به ورود به بازار ارز و تأمین کسری بودجه می‌کردند، گفت: این‌گونه نیست که دولت برای تأمین ریال و منابع بودجه قیمت ارز را بالا ببرد و من از اظهارات این افراد تعجب می‌کنم. نوسانات نرخ ارز تحت‌تأثیر اخباری است که منتشر می‌شد.

او در ادامه به ورود ۳۰ میلیارد دلار ارز به کشور اشاره کرد که بعد از رفع تحریم‌ها به کشور بازمی‌گردد. منابعی که به‌گفته این مقام، از هفته آینده در اختیار بانک مرکزی قرار می‌گیرد.

براساس اعلام بانک مرکزی دلار در شهریور سال ۹۲ که دولت روحانی زمام امور را به‌دست گرفت، سه‌هزارو ۱۷۷ تومان بود که حالا بعد از گذشت بیش از دو سال به سه‌هزارو ۶۷۵ تومان رسیده است. دلار در این مدت افزایشی به میزان ۵۰۰ تومان را تجربه کرده است. روند حرکتی دلار در این مدت آرام و اغلب با نوسان‌های کمتر از ۲۰ تومان بوده که نشان از آرامش حاکم بر بازار ارز دارد.

کارشناسان در گفت‌وگو با «شرق» کارنامه دوساله بانک مرکزی را مرور می‌کنند.

سیاست بی‌تفاوتی به ارز از سوی دولت و بانک مرکزی

حیدر مستخدمین حسینی، کارشناس بانکی

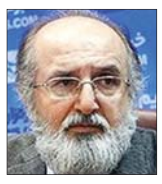

در فاصله یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۸۱ تا سال ۹۰ که مدیریت شناورشده ارزی از سوی بانک مرکزی مطرح شد، سعی بر این بود که نرخ ارز افزایش پیدا نکند، اما اگر از سال ۸۱ به این سو، با نرخ ارز به‌صورت واقعی برخورد می‌کردیم و مابه‌التفاوت تورم داخلی و خارجی را بر نرخ ارز می‌افزودیم، در سال‌های ۹۰ و ۹۱ با شوک کاهش ارزش پول ملی روبه‌رو نمی‌شدیم. پس از آن نیز در سال ۹۴ که با افزایش نرخ ارز مواجه شدیم، قطعا این روند تداوم نمی‌یافت تا نرخ ارز در دوره‌ای با اندک رشدی، ثابت نگه داشته شود و به یکباره متوجه شویم فاصله نرخ رسمی و نرخ دلار در بازار آزاد، نسبت به دوره‌های قبل بیشتر شده است. در واکاوی چرایی چنین رخدادی در زمان حاضر باید به منابع درآمدی دولت نگریست. اکنون منابع درآمدی دولت هریک دچار نوسانی شده‌اند. درآمد حاصل از فروش نفت حتی با افزایش تولید نیز با کاهش شدیدی روبه‌روست که در درآمدزایی دولت تزلزل ایجاد می‌کند. از سویی خصوصی‌سازی در این دولت تقریبا متوقف شده و تقریبا درآمدی از این بابت برای دولت حاصل نمی‌شود و به‌همین‌دلیل بر مالیات به‌عنوان منبع دیگری برای درآمدزایی دولت فشار وارد شد و به‌همین‌دلیل بر ارکان اقتصادی کشور به‌طور بی‌رویه‌ای فشار وارد و نارضایتی و حتی تغییر جهت فعالیت بنگاه‌های اقتصادی و اصناف ایجاد شد. در چنین شرایطی تنها بخش‌هایی که می‌توانستند درآمدزایی را برای دولت به همراه آورند، بخش‌هایی بودند که می‌توانستند به‌عنوان کالا تلقی شوند و منابعی از طریق فروش آنها عاید دولت شود که ارز و طلا در این دسته قرار می‌گیرند. این دو عام‌ترین فعالیتی بود که دولت می‌توانست از آنها بهره گیرد، زیرا بازاری برای ارز وجود نداشت و ارز تماما در انحصار دولت بود و بانک مرکزی آن را مدیریت می‌کرد. به‌این‌ترتیب دولت با افزایش نرخ ارز توانست بخشی از نیازهای مالی را مرتفع کند. این روند ساده‌ترین کاری است که دولت می‌توانست به کار گیرد و اکنون نیز در همین راستا گام برمی‌دارد. بنابراین در همین دوره که با اندک افزایشی در تابستان مواجه بودیم، تعطیلات فصلی به‌عنوان بالابرنده تقاضا برای ارز به دلیل مسافرت‌ها مطرح شد. از طرفی حدود دو ماه قبل بحث اربعین مطرح شد که خود سناریویی جدید برای افزایش تقاضا بود و تابه‌حال به آن اشاره‌ای نشده بود. پس از آن ژانویه و آغاز سال نو مطرح شد، اما باید توجه داشت که از این مقاطع عبور کرده‌ایم، اما هنوز نرخ ارز کاهش درخورتوجهی نداشته و حول‌وحوش سه‌هزار و ۷۰۰ تومان می‌چرخد. این مسئله به این بازمی‌گردد که دولت و بانک مرکزی در این مرحله نیز سیاست بی‌تفاوتی را در پیش گرفته‌اند و انعکاس جدی پیرامون چرایی افزایش نرخ ارز را مطرح نکرده‌اند. درواقع افزایش نرخ دلار تا این میزان معقول و منطقی نیست و اگر از سال ۸۱ تا اکنون مابه‌التفاوت تورم داخلی و خارجی به پایه نرخ ارز اضافه می‌شد، ارز منطقی در این شرایط باید بین سه‌هزار و ۲۰۰ تا سه‌هزار و ۳۰۰ تومان بود، نه سه‌هزار و ۷۰۰ تومان. نباید نادیده گرفت که افزایش نرخ دلار اولین واکنشی که در پی خواهد داشت، افزایش تورم خواهد بود که می‌تواند به اقتصاد کنونی آسیب بزند.

افزایش دلار منطقی است

سیدبهاءالدین حسینی‌هاشمی، کارشناس بانکی

از زمان روی‌کارآمدن دولت یازدهم در شهریور ۹۲ تا امروز، نرخ دلار حدود ۵۰۰ تومان افزایش یافته است و این افزایش قیمت، منطقی به نظر می‌رسد. حتی می‌توان گفت با قدری تدبیر، نظم مالی و واردنکردن هیجان به بازار، از افزایش بیش از حد ارز نیز جلوگیری شده است. اگر بخواهیم دلایل افزایش قیمت دلار در بازار آزاد را بررسی کنیم، توجه به این مسئله ضروری است که تفاوت قیمت ارزها براساس ضریب تورمی سالانه آنهاست یعنی اگر در حوزه ریال تورم ۱۵ درصدی داشته باشیم و حوزه دلار با تورم دو درصدی مواجه باشد، حداقل باید ۱۳ درصد به قیمت دلار اضافه کرد تا برابری ارزش این دو ارز حفظ شود.

جدا از عامل تورم، رابطه بین درآمد و مصارف ارزی کشور نیز عامل دیگری است که بر افزایش قیمت ارز تأثیر بسزایی دارد، چراکه در مدت بیش از دو سال، مصارف ارزی کشور کماکان پایدار بوده و شاید افزایش نیز داشته است، اما منابع و درآمدهای ارزی به دلیل افت قیمت نفت، به‌شدت کاهش یافته‌اند. درآمد نفتی حدود ۷۰ تا ۸۰ میلیارد دلاری دولت در سال‌های گذشته به حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار در سال جاری رسیده که این مسئله، روند افزایش قیمت دلار را تشدید می‌کند. به جز این عوامل، سایه سنگین تحریم‌ها نیز بر سر اقتصاد ایران بوده و هنوز هم وجود دارد که علاوه بر بلوکه‌کردن بخش زیادی از منابع ارزی کشور، هم باعث افزایش هزینه‌ها شده و هم مشکلات عدیده‌ای برای تجارت خارجی کشور و تأمین ارز مورد نیاز ایجاد کرده است. با همه این اوصاف، می‌توان گفت افزایش نرخ ارز تا امروز منطقی بوده است.

هرچه عوامل یادشده کم‌رنگ‌تر باشند، ثبات بازار ارز بیشتر خواهد بود. البته مسئله دیگری که ثبات بازار ارز را به خطر می‌اندازد، عرضه ارزهای دولتی به قیمت‌هایی پایین‌تر از قیمت ارز در بازار آزاد است. دولت ارز را به قیمت بازار آزاد به صرافی‌ها می‌فروشد اما بخش زیادی از منابع ارزی را به نرخ مبادله‌ای به اقتصاد وارد می‌کند. همین دونرخی‌بودن، مشکلات زیادی ایجاد می‌کند و باعث بی‌ثباتی بازار ارز می‌شود.

متأسفانه این افزایش قیمت ارز و همچنین دونرخی‌بودن آن، با سیاست‌های بانک مرکزی یعنی شناور مدیریت‌شده همسو نیست. شناور مدیریت‌شده این نیست که بین دو نرخ فاصله ۶۰۰ تا ۷۰۰ تومانی وجود داشته باشد، بلکه برای تنظیم بازار باید موقع افزایش تقاضا، ارز بیشتری به بازار تزریق کرد و در زمان کاهش تقاضا، عرضه نیز کمتر شود تا بازار، حتی با داشتن روند صعودی، متعادل و باثبات باقی بماند. به عبارتی دیگر، نرخ بازار رسمی، نباید فاصله زیادی با بازار غیررسمی داشته باشد که باعث ضرر و زیان دولت شود.

درباره تأثیری که ادعا می‌شود افزایش قیمت دلار بر نرخ تورم دارد، نیز باید گفت وجود تورم و افزایش آن باعث رشد نرخ دلار شده نه اینکه افزایش نرخ ارز تورم را افزایش داده باشد. به‌عبارتی کاهش قدرت اقتصادی ما باعث تورم شده و افزایش نرخ تورم، باعث کاهش ارزش پول ملی کشور شده است. نرخ ارز را بازار تعیین می‌کند و طبق تئوری برابری قدرت خرید، برابری نرخ ارزها با قدرت خرید آنها تعیین می‌شود نه با سیاست‌ها و نرخ‌های دستوری. سه سال پیش که دلار جهشی سه‌برابری داشت، با تورم ذخیره‌شده در کشور مواجه بودیم؛ در آن زمان فنر نگه‌داشته‌شده ارز توسط دولت، با کاهش منابع ارزی آزاد شد و تورمی که مدت‌ها وجود داشت و دولت آن را افشا نمی‌کرد، نرخ ارز را تا نقطه تعادلی با تورم بالا آورد، چراکه چند سالی دولت با اتکا به منابع سرشار ارزی، از بازار ارز مراقبت می‌کرد و نرخ‌ها را به صورت دستوری تثبیت کرده بود و درآمدهای هنگفت ارزی، این امکان را فراهم می‌کرد که بازار با عرضه پرقدرت مدیریت شود.

نکته قابل توجه دیگر در بحث افزایش قیمت دلار، این است که به‌تازگی ارزش دلار در برابر سایر ارزها تقویت شده و همین مسئله باعث گران‌ترشدن آن شده است. مثلا یک سال پیش ارزش هر یورو معادل ۱.۳ ارزش هر دلار آمریکا بود و حالا ارزش هر یورو به معادل ۱.۰۹ ارزش هر دلار رسیده و ارزش دلار تقریبا ۲۰ درصد نسبت به یورو افزایش داشته و همین تقویت در برابر ریال هم حفظ شده است. به این دلیل که ریال دچار تورم است همیشه در حالت تضعیف در برابر دلار قرار دارد و چنانچه تقویت ارزش دلار در مقابل ین و یورو به همین صورت ادامه پیدا کند، شدت افزایش قیمت دلار به ریال تشدید خواهد شد.

نوسان ارز خطرناک‌تر از افزایش قیمت است

شاهین شایان‌آرانی، کارشناس بانکی

روزگاری دلار سه‌هزار و ۹۰۰ تومان بود و یادمان باشد دلار بعد از جهش قیمتی، در مقطعی به چهار هزار تومان هم نزدیک شد؛ اما این دولت از ابتدای کار، عزم کرد هم نرخ تورم را کاهش دهد که کاهش هم داد و هم نوسان بازار ارز را مدیریت کند. در بحث ارز، آنچه بیش از افزایش قیمت اهمیت دارد، نوسان ارزی است که سیستم را شکننده می‌کند و اینکه روند آن پیش‌بینی‌پذیر نباشد، خطرناک است. دولت یازدهم تا چند ماه پیش ارز را به‌صورت شناور کنترل می‌کرد؛ اما دو، سه ماه است که قیمت آن افزایش یافته و تا سه‌هزار و ۷۰۰ تومان هم رسیده است.

مهم این است که دولت تورم را کنترل کرده و نوسان ارز را نیز تا دو سه ماه پیش کنترل کرده است. افزایش نرخ ارز به‌هرحال قاعده‌ای دارد؛ اینکه ما فرض کنیم ارز را باید دو سال مثلا روی قیمت سه‌هزار و ۲۰۰ تومان ثابت نگه داریم، بی‌معنی است؛ چراکه قاعده‌ای تحت‌عنوان قاعده PPP (برابری قدرت خرید) وجود دارد که از آن در مدیریت ارزی بهره می‌برند و قیمت را براساس تفاوت تورم دو ارز که در ایران تفاوت تورم ریالی و دلاری مطرح است، تعیین می‌کنند. حالا تورم دلاری حدود یک و تورم ریالی حدود ۱۵ درصد است. قاعده PPP در قالب یک اقتصاد متعادل و در یک دیدگاه درازمدت می‌گوید نرخ برابری ارزی که تورم آن بیشتر است، باید معادل تفاوت نرخ دو تورم دچار کاهش ارزش شود؛ یعنی اگر تورم ریالی ۱۵ درصد است و تورم دلار یک است باید ریال ۱۴ درصد نسبت به دلار تضعیف شود. معنای این جمله این است که با احتساب تورم ۱۵ درصد برای سال ۹۴ باید ۱۴ درصد به قیمت دلار اضافه شود. سال بعد نیز به اندازه تفاوت تورم‌ها باید قیمت ارزها تغییر کند. هر موقع تورم دو کشور با هم برابر بود، نرخ برابری ارزها نیز تغییر نمی‌کند. این یک قاعده اقتصادی است؛ اما بسیاری از مواقع ممکن است این تغییر قیمت در ارزها به‌صورت روان و با شیب ملایم رخ ندهد؛ چراکه دولت‌ها با تثبیت نرخ ارز، مانع آن می‌شوند؛ اما به‌یک‌باره این فنر رها می‌شود. در شرایط فعلی افزایش نرخ دلار، برای دوره یک‌ساله معقول و مطابق با قاعده PPP است، فقط این رشد به‌صورت روان نبوده و در طول یکی، دو ماه اخیر رخ داده است.

بانک مرکزی نرخی برای سیاست مدیریت شناورشده ارز اعلام نکرده است که بگوییم قیمت ارز در بازه مشخص‌شده، حول نرخ برابری تعیین شده، نوسان کند تا اگر نرخ ارز از رقمی بالاتر رفت بانک مرکزی با افزایش عرضه، آن را کاهش دهد یا اگر به زیر نرخ پایه رسید با خرید ارز از بازار قیمت را برگرداند. نرخ پایه با مدل PPP تغییر می‌کند و بازه نوسانات در هر مقطعی کنترل می‌شود؛ اما درباره اینکه بانک مرکزی قصد دارد چه رقمی را به‌عنوان نرخ پایه تعیین کند، اخباری منتشر نشده است. فعلا مشخص نیست که آیا بانک مرکزی مثلا نرخ سه‌هزار و ۷۰۰ تومان را به‌عنوان نرخ پایه درنظر گرفته و تلاش می‌کند بازار ارز را روی این قیمت تعدیل کند و پس از آن روی این نرخ پایه، بازه قیمت را به‌صورت شناور کنترل کند یا نرخ پایه همان سه‌هزار و ۳۰۰ تومان بوده و حالا کلا بازار از دست بانک مرکزی دررفته و نتوانسته است آن را کنترل کند. اگر حالت اول اتفاق افتاده باشد قابل‌قبول است؛ چراکه معنایش این است که بانک مرکزی مطابق با اختلاف تورم ریالی و دلاری نرخ ارز را اصلاح کرده است؛ اما حالت دوم اصلا پیام خوبی به‌همراه ندارد.

مسئله دیگری که در حوزه ارز قابل‌توجه است اینکه معمولا تورم باعث افزایش نرخ ارز می‌شود و گرچه افزایش نرخ ارز نیز می‌تواند تأثیر متقابل بر تورم داشته باشد؛ اما محور اصلی تغییرات در این دو حوزه، از تورم آغاز می‌شود. تورم باعث می‌شود نرخ برابری ارز تغییر کند و تغییر نرخ برابری ارز نیز می‌تواند برخی انتظارات تورمی در جامعه ایجاد کند. در چند ماه اخیر تغییرات نرخ تورم تأثیری بر تورم نداشته است؛ چراکه حجم تجارت خارجی و مبادلات اقتصادی کشور به اندازه‌ای نیست که تغییرات حوزه ارز بتواند تأثیر زیادی بر اقتصاد داشته باشد.

شاخص کل به نیمه ۶۳ هزار واحد رسید

رکوردشکنی جدید بورس

ابراهیم دیلم
کارشناس بازار سرمایه

رشد یک‌درصدی بازار بورس اوراق بهادار تهران در ادامه افزایش شاخص بورس در دو هفته اخیر اتفاق افتاد و می‌توان به ادامه روند افزایشی امیدوار بود به‌طوری‌که در معاملات دیروز شاخص با ثبت ۶۷۵ واحد مثبت به رقم ۶۳هزارو ۵۱۶ واحد رسید. این روند افزایشی شاخص در روزهای اخیر بیشتر مدیون گروه بانکی، خودرو و گروه حمل‌ونقل بوده است؛ ولی از اواسط ساعت معاملات دیروز گروه‌های دیگری مانند گروه پالایشگاهی و گروه پتروشیمی با مثبت‌شدن توانستند پتانسیل بیشتری برای بالابردن شاخص ایجاد کنند؛ درنتیجه بیشترین سهم افزایش شاخص مربوط به هلدینگ خلیج فارس بوده که با ثبت ۱۱۶ واحد اثر مثبت و شرکت ملی مس ایران با توجه به قیمت‌های ضعیف مس در بازار جهانی ۲۲ واحد اثر منفی را از خود به‌جای گذاشتند.مهم‌ترین نکته‌ای که در معاملات اخیر بورس می‌توان بدان اشاره کرد، حجم نسبتا خوب معاملات است که این میزان حجم به‌طور محسوسی روبه‌افزایش است. لازم به ذکر است در معاملات دیروز ۱۰ درصد از سهام شرکت بیمه اتکایی امین برای اولین‌بار در بورس اوراق بهادار تهران با کشف قیمت هزارو ۶۵۰ ریال عرضه شد. در پایان معاملات، حجم بازار بورس به رقم ۳۱۶ میلیارد تومان و بازار فرابورس به رقم ۱۰۶ میلیارد تومان و درمجموع دو بازار به رقم ۴۲۲ میلیارد تومان رسید؛ بنابراین می‌توان با این میزان معاملات به بازار خوش‌بین بود. در خبرها مهم‌ترین موضوع درخصوص برجام بود که به لحظه موعد نزدیک می‌شویم و طبق اعلام سیاسیون روز جمعه آغاز اجرای برجام با پیشتازی گروه بانک و حمل‌ونقل برای رفع تحریم‌هاست. در روزهای اخیر نکته‌ای که همچنان موجب می‌شود اقتصاد کشور به‌سختی از وضعیت رکود خارج شود، قیمت‌های جهانی نفت است که به قیمت‌های سال ۲۰۰۳ رسیده است و ازطرفی‌دیگر به تبعیت از سقوط آزاد قیمت نفت، قیمت محصولات پتروشیمی و فلزی و... به‌طور مداوم کاهش می‌یابد و به صنایع فعال در این حوزه‌ها فشار وارد می‌کند و درنتیجه درآمد این شرکت‌ها تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد؛ لذا می‌بینیم گروه‌هایی که وابستگی کمتری به نفت و پتروشیمی و صنایع فلزی دارند به‌عنوان اولویت سرمایه‌گذاری نگریسته می‌شوند و تکاپوی معاملات روزانه بورس اوراق بهادار تهران در این گروه‌ها بیشتر است.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۶۳۵۱۶٫۹	۶۷۵٫۶۷
شاخص قیمت	۲۴۶۳۱٫۹	۲۶۲٫۰۰
شاخص کل (هم‌وزن)	۱۰۲۷۵٫۱	۴۹٫۷۰
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۸۶۹۳٫۴	۴۲٫۰۰
آزاد شناور	۷۰۷۴۳٫۳	۸۰۸٫۰۳
۵۰ شرکت بزرگ	۲۵۶۶٫۵	۳۱٫۲۰

نگاه

همسویی ایران و آمریکا در جنگ ارزی

محسن قادری
تحلیلگر بازارهای ارز و طلا

● این روزها اخبار خبرگزاری‌ها مملو است از مطالبی پیرامون جنگ ارزی در اقتصاد جهان. در یک سال اخیر بارها درباره جنگ ارزی بانک‌های مرکزی شنیده‌ایم. جنگ ارزی درواقع کاهش ارزش پول ملی توسط بانک‌های مرکزی با هدف تقویت صادرات و خروج از رکود است. در این سال‌ها اغلب بانک‌های مرکزی به این امر مبادرت کرده و می‌کنند؛ سردمدار آنها نیز بانک مرکزی چین است. در این بین پول کشورهایی نظیر استرالیا که تولیدکننده مواد اولیه (کومودیتی) هستند، بیش از پیش نیز تضعیف شده است. نکته قابل‌توجه در این بین، تلاش بانک مرکزی ایران برای جلوگیری از تضعیف پول ملی ایران یعنی ریال است، به‌طوری‌که با وجود یک‌چهارم‌شدن قیمت نفت در این چند سال، برابری ریال به دلار به قیمت‌های سال ۹۱ هم نرسیده است. گرچه باور اینکه بودجه دولت ایران در حد ۲۵ درصد به نفت وابسته است بسی سخت است، اما با قبول همین سخن، همین یک عامل (قیمت نفت) نیز به اندازه کافی بر برابری ریال به دلار در ایران تأثیر نگذاشته است. نکته شایان‌توجه دیگر بدهی‌های سنگین دولت به بانک‌ها، شرکت‌ها، پیمانکاران و بقیه است که دولت را مجبور به انتشار انواع و اقسام اوراق بدهی با نرخ‌های بسیار بالا کرده است. نرخ‌های بیست‌وچنددرصدی استقراض دولت در آخر به ایجاد تورم در کشور منجر می‌شود. این عوامل و بسیاری دیگر موجب می‌شود ارزش ریال به صورت مصنوعی بالا بماند و به شکل بحران‌های ارزی سال‌های ۹۰ و ۹۱ به یکباره خود را به صورت انفجاری نشان دهد. روش‌هایی که برای کنترل قیمت ارز دیده می‌شود، نظیر روش‌هایی است که بانک مرکزی در دوره ریاست آقای بهمنی انجام می‌داد: ۱- تزریق یکباره و شدید دلار به بازار از یک طرف. ۲- تکذیب افزایش قیمت دلار از سوی دیگر. ۳- عجیب‌تر از همه اصرار بر درج قیمت زیر سه هزارو ۴۰۰ تومان برای هر دلار در سایت‌ها، درحالی‌که دلار در حدود سه هزارو ۷۰۰ تومان برای هر دلار معامله می‌شود (احتمالا برای خدشه‌دارنشدن سخن معاون محترم رئیس‌جمهور که چندصباحی پیش گفته بودند دلار بالای سه هزارو ۴۰۰ تومان معامله نمی‌شود). در آخر اینکه درحالی‌که این‌روزها فقط فدرال رزرو در جهت افزایش ارزش دلار در برابر دیگر ارزها، قدم برمی‌دارد، اهداف بانک مرکزی ایران برای جلوگیری از تضعیف ریال هرچه باشد، توجیهی برای آسیب بلندمدتی که این امر ایجاد می‌کند، نخواهد بود.

طلا و ارز

فشار فروش بر دلار

● **شرق:** دلار دیروز زیر فشار فروش، کاهش ۲۸ تومانی را از قیمت اولیه سه‌هزار و ۶۸۰ تومان تجربه کرد و در ساعات پایانی معاملات به سه‌هزار و ۵۳ تومان رسید. مصطفی قدرتی، معامله‌گر بازارهای طلا و ارز در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به اینکه روند هر دو بازار ارز و طلا دیروز کاهشی بود، گفت: دلار در پایین‌ترین قیمت خود به سه‌هزار و ۶۴۵ تومان هم رسید؛ اما درنهایت خود را اصلاح کرد و اندکی افزایش یافت. قدرتی ادامه داد: سکه نیز کاهش را تجربه کرد و در آخرین قیمت خود بر ۹۳۴هزار تومان معامله شد؛ درحالی‌که حباب چهارهزار تومانی منفی را برای خود حفظ کرد.

ارز *	قیمت(تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۶۵۲	−۲۶
یورو	۴۰۱۰	−۲۵
پوند	۵۳۳۰	−۷۰
درهم	۱۰۰۵	−۴

طلاو سکه *	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۳۴۰۰۰	−۵۰۰۰
طرح قدیم	۹۳۲۰۰۰	−۶۰۰۰
نیم	۴۷۲۵۰۰	−۲۵۰۰
ربع	۲۵۶۰۰۰	−۲۰۰۰
گرمی	۱۷۰۰۰۰	−۱۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۹۴۷۷۰	−۱۰۸۰
اونس * (دلار)	۱۰۹۰	+۳

خبر

ترکان: توان عمرانی دولت ۱۳ برابر کمتر از نیاز موجود

● **شرق:** برای تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام ۴۵۰ هزار میلیارد تومان منابع نیاز داریم درحالی‌که بودجه عمرانی دولت ۳۵ هزار میلیارد تومان است. این را اکبر ترکان، مشاور رئیس‌جمهور می‌گوید. در پس این اعداد واقعیتی نهفته که نشان می‌دهد، توان عمرانی دولت ۱۳ بار کمتر از نیاز عمرانی کشور است. البته این در صورتی است که دولت تمام ۳۵ هزار میلیارد تومان را به پروژه‌های عمرانی اختصاص دهد.

سازمان آگهی های روزنامه شرق
۸۸۱۹۰۴۶۸ - ۸۸۱۹۳۹۷۹

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

بایاد دکتر مهدی سمسار

بیست و پنجم دی ماه ۱۳سال از پیوستن او به نور می گذرد.
یاد و خاطره همیشه بیدارش همواره با ما و دوستان یکدل اوست.

گیتی، شیرین و شهرزاد سمسار

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای
آگهی شرکت در مناقصه
نوبت دوم

شرکت سهامی آب منطقه ای اصفهان در نظر دارد به منظور اجرای طرح آبرسانی به شهرهای نطنز ، اردستان و بادرود ، ساخت لوله فولادی (بصورت دستمزدی) براساس جدول زیررا از طریق مناقصه عمومی به تولید کنندگان واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه تامین کنندگان تقاضا می شود حداکثر ۵ روز پس از چاپ نوبت دوم آگهی کتباً نسبت به اعلام آمادگی جهت شرکت در مناقصه به دفتر امور بازرگانی اقدام نمایند. جهت دریافت اطلاعات بیشتربه سایت شرکت به نشانی www.esrw.ir قسمت مناقصه های امور بازرگانی مراجعه فرمائید.

ردیف	شرح
۱	ساخت لوله فولادی قطر ۸۰۰ میلیمتر با فشارکاری ۲۰ بار وضخامت ۷mm=t به طول ۱۷۲۰۰ متر st۳۷
۲	ساخت لوله فولادی قطر ۸۰۰ میلیمتر با فشارکاری ۲۳ بار وضخامت ۸mm=t به طول ۱۰۶۰۰ متر st۳۷
۳	ساخت لوله فولادی قطر ۸۰۰ میلیمتر با فشارکاری ۳۵ بار وضخامت ۸mm=t به طول ۹۱۰۰ متر st۵۲
۴	ساخت لوله فولادی قطر ۸۰۰ میلیمتر با فشارکاری ۲۸ بار وضخامت ۱۰mm=t به طول ۷۷۰۰ متر st۳۷
۵	ساخت لوله فولادی قطر ۸۰۰ میلیمتر با فشارکاری ۳۶ بار وضخامت ۱۰mm=t به طول ۵۶۰ متر st۵۲

آدرس: اصفهان، پل خواجو، بلوار آئینه خانه، جنب هلال احمر، شرکت سهامی آب منطقه ای اصفهان- امور بازرگانی تلفن تماس: ۵-۳۶۶۱۵۳۶۰ (۰۳۱) داخلی (۲۱۴۴) و (۲۱۴۵) دورنگار: ۳۶۶۱۱۱۲۸ (۰۳۱)